

تقابل راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز

هادی ابراهیمی کیاپی^۱ - کمال زارعی^۲

دریافت: ۱۳۹۸/۱/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۸/۵/۱

چکیده

قفقاز جنوبی از جمله حوزه‌هایی می‌باشد که با پایان جنگ سرد و بحران‌های ناشی از تحولات ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بویژه پس از فروپاشی شوروی، رقابت‌ها و چانه‌زنی قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را شاهد است. طی سال‌های اخیر حضور رژیم صهیونیستی به‌عنوان یکی از قدرت‌های فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی به‌عنوان منطقه پیرامونی جمهوری اسلامی ایران و همکاری استراتژیک آن با کشورهای منطقه و نیز ادامه گسترش حوزه همکاری‌ها و برنامه‌های راهبردی با آنها، چالشی جدی برای منافع حیاتی کشورمان ایجاد کرده است. تداوم این حضور؛ تقابل آشکاری را در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی رقم زده است که به تناسب بروز و ظهور میزان و سطح همکاری‌ها و خصومت‌های باطنی دولت‌های منطقه، در صورت عدم مراقبت دولت‌های حاکم منطقه می‌تواند جرقه یک درگیری را نیز موجب شود. این پژوهش مبتنی بر رویکرد استدلالی و روش تحقیقی آن نیز توصیفی - تحلیلی است.

واژگان کلیدی: راهبردهای منطقه‌ای، ژئواستراتژیک، قفقاز جنوبی، جمهوری اسلامی ایران، رژیم صهیونیستی

۱. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه صدا و سیما، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ebrahimih56@yahoo.com

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، تهران مرکزی، تهران، ایران

zareih55@yahoo.com

مقدمه

به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران سیاسی با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، دوره تحولات عظیم ژئوپلیتیک و بحران‌های ناشی از آن در منطقه قفقاز آغاز شد. عرصه جغرافیایی آسیای مرکزی و بطور خاص قفقاز جنوبی از جمله حوزه‌هایی است که از فروپاشی شوروی تاکنون زمینه‌های رقابت و چانه‌زنی میان قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را شاهد بوده است و تسلط بر آن به یک محک و معیار «جهانی بودن قدرت» تبدیل شده است. به اعتقاد بسیاری از استراتژیست‌های معاصر؛ منطقه اوراسیا و قفقاز جنوبی بطور اخص در ژئواستراتژی‌های قرن جدید به دلیل تسلط بر منابع مهم نفتی جهان در خزر و خلیج فارس و همچنین کنترل بر مسیر ارتباطی شرق و غرب جهان و مسائل مهم دیگر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران بواسطه قرابت سرزمینی و ارتباط تاریخی با هریک از کشورهای منطقه قفقاز و اهمیت امنیت خارج نزدیک خود، حضور موثر و با دامنه گسترده‌ای را در منطقه برای خود تعریف نموده است. از دیگر سو رژیم صهیونیستی بواسطه تمایل به تعقیب سیاست‌های خصمانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران و همچنین گسترش دامنه متحدان و همراهان خود در صحنه بین‌المللی با استفاده از فرصت نیازمندی‌های مختلف کشورهای منطقه قفقاز به دنبال توسعه مناسبات و همکاری‌ها و تعاملات خود با هر یک از کشورهای منطقه است.

این پژوهش بر این فرض استوار است که رویکردهای جمهوری اسلامی ایران به عنوان قدرت بلافصل منطقه‌ای با راهبردهای رژیم صهیونیستی در منطقه قفقاز بصورت آشکار در تعارض است که تداوم این امر و عدم مراقبت کشورهای همسایه از یکسو و عدم تنظیم راهبردهای تعاملی و تقابلی متناسب با آن می‌تواند علاوه بر تخریب مناسبات دوستانه، جرقه‌های یک درگیری را نیز موجب شود. روش‌شناسی پژوهش نیز مبتنی بر رویکرد استدلالی و در این گذار روش تحقیقی آن نیز سرشتی توصیفی - تحلیلی دارد.

چارچوب نظری

فروپاشی ابرقدرت شرق موجب تحولات چشمگیری در نظام بین‌الملل شد که در این رابطه می‌توان به کاهش اثرگذاری تهدید نظامی در روابط بین‌الملل، جایگزینی تقابل واحدهای سیاسی با تفاهم و تشنج‌زدایی، صبغه اقتصادی یافتن ماهیت چانه‌زنی بین قدرت‌های صنعتی و جهان سوم، تغییر ماهیت نظام بین‌الملل از حالت دوقطبی به نظام چندقطبی و مطرح شدن منطقه آسیای مرکزی و قفقاز به مثابه مناطق ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک اشاره نمود (هیلی، ۱۳۷۰: ۲۳).

مفهوم ژئوپلیتیک از اواخر قرن نوزدهم و تحت تاثیر تحولات اروپا وارد ادبیات سیاسی-نظامی شد. بر اساس تعریف دایره‌المعارف بریتانیکا، ژئوپلیتیک عبارت است از: تحلیل نفوذ عوامل جغرافیایی بر روابط قدرت در سیاست بین‌الملل. اصطلاح ژئوپلیتیک توسط دانشمند سیاسی سوئدی رودلف کگلن در کتاب «دولت به مثابه یک ارگانیزم» مطرح شد. از آثار و اندیشه‌های مطرح در خصوص ژئوپلیتیک می‌شود تقسیم آن به شقوق مختلفی همچون ژئوپلیتیک محیطی، ژئوپلیتیک فضایی^۱ و ژئوپلیتیک فکری^۲ را مشاهده کرد که آثار مقولات سه‌گانه فوق در حوزه اکوپلیتیک انتشار یافته‌اند. در یک برداشت کلی می‌توان به نفوذ تعیین‌کننده محیط یعنی عواملی همچون ویژگی‌های جغرافیایی، عوامل فرهنگی و اجتماعی و منابع اقتصادی بر سیاست یک کشور، ژئوپلیتیک اطلاق کرد (واعظی، ۱۳۸۶: ۱۹).

واژه ژئواستراتژی مفهوم دیگری است که به معنی کاربرد استراتژی بوسیله حکومت‌ها بر پایه ژئوپلیتیک می‌باشد. در تعریف دیگری، ژئواستراتژی علم کشف روابط حاکم بین استراتژی و محیط جغرافیایی و به نوعی تکامل مفهوم ژئوپلیتیک در عصر اتم است (عزتی، ۱۳۷۳: ۴).

زیگنیو برژینسکی در کتاب «خارج از کنترل» در خصوص صف‌بندی‌های جهانی در قرن بیست و یکم، جهان را به شش منظومه ژئواستراتژیک تقسیم می‌کند و معتقد است این قدرت‌ها گاه با یکدیگر سازش و همکاری دارند و گاه در چارچوب روند سیاسی بطور مستقل عمل کرده و با یکدیگر به رقابت می‌پردازند (برژینسکی، ۱۳۷۲: ۲۲۲).

اهمیت ژئوپلیتیک و استراتژیکی منطقه قفقاز

۱. تاکید بر پراکندگی عوامل فضایی و محلی و بویژه عامل ژئواستراتژیکی.

۲. ناظر بر اندیشه ژئوپلیتیک یعنی مفاهیم و مفروضات ژئوپلیتیک اعم از مفاهیمی که بر مسائل ذهنی و عینی ارجاع دارند.

قفقاز، منطقه‌ای کوهستانی با مساحتی برابر با ۴۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع است که از شمال به فدراسیون روسیه؛ از سمت جنوب به جمهوری اسلامی ایران و ترکیه؛ از سمت شرق به دریای خزر و از سمت غرب به دریای سیاه و آزوف منتهی شده است. این منطقه به وسیله رشته کوه‌های قفقاز بزرگ (آب پخشان) به دو بخش قفقاز شمالی و قفقاز جنوبی یا ماوراء قفقاز^۱ تقسیم می‌شود که جمعیتی قریب به ۳۰ میلیون نفر را در خود جای داده است. تحولات مهمی همچون فروپاشی شوروی، ظهور کشورهای مستقل، ظهور حوزه جدید خزری و همجواری قفقاز با دو کشور عمده منطقه خاورمیانه یعنی ایران و ترکیه و بدنبال آن مناطق حساسی چون خلیج فارس، قفقاز را از اهمیت سیاسی و استراتژیکی دوچندانی برخوردار کرده است (هاشمی، ۱۳۸۴: ۳۱).

در نظریه‌های کلاسیک ژئوپلیتیک، محور قفقاز - آسیای مرکزی از جایگاه خاصی برخوردار بود. در همین راستا هالفورد مکیندر، جغرافیدان انگلیسی در رویکرد قدرت خشکی نظریه هارتلند را مطرح و اسپایکمن ساختار فضایی خود را در قالب نظریه ریملند بیان کرد و با اعتقاد به اصالت هلال داخلی مکیندر، آن را همان حاشیه یا ریملند تعبیر می‌کرد که نسبت به هارتلند منشا قدرت می‌باشد. وی عنوان می‌نمود: هرکس کنترل ریملند را برعهده بگیرد فرمانروای اوراسیا خواهد بود و کسی که فرمانروای آسیا باشد کنترل سرنوشت جهان را به دست خواهد گرفت (حافظ نیا، ۱۳۸۶: ۶).

بطور کلی مسائل راهبردی منطقه قفقاز را می‌توان به شرح ذیل طبقه‌بندی کرد:

- * قفقاز محل برخورد اسلام و مسیحیت است و بنا به نظر هانتینگتون روی خط برخورد تمدن‌ها قرار دارد. ضمن آنکه محل برخورد ترک‌ها و غیرترک‌ها است؛
- * تمایل ناتو به گسترش به سمت شرق و نفوذ در منطقه قفقاز؛
- * مسائل مربوط به دریای سیاه و افزایش توان نیروی دریایی ترکیه و تبدیل شدن آن به نیروی برتر در دریای سیاه و نیز اختلاف روسیه و اوکراین بر سر تقسیم ناوگان مشترک در بنادر شبه جزیره کریمه؛
- * مساله مسیر خطوط لوله انتقال منابع انرژی حوزه دریای خزر و مساله کنسرسیوم‌های

بین‌المللی نفت و گاز؛

- * تدوین دکترین نظامی جدید روسیه و تاکید بر حمایت از روس‌های ساکن در منطقه؛
- * مخالفت روسیه با گسترش ناتو و همسویی ایران و روسیه برای جلوگیری از آن؛
- * همسویی ایران و روسیه در حل بحران‌های منطقه‌ای و تمایل آنها به جلوگیری از دخالت بازیگران خارج از منطقه در بحران‌ها؛
- * استقلال‌طلبی و تجزیه‌طلبی چچن از روسیه، قره‌باغ از آذربایجان و آبخازیا و اوستیای جنوبی از گرجستان؛
- * فعال شدن پایگاه‌های نیروی هوایی ناتو در ترکیه و همکاری نظامی ترکیه با اسرائیل؛
- * گسترش ایده پان‌ترکیسم در منطقه توسط ترکیه؛
- * شکل‌بندی نامناسب مرزهای داخلی و بین‌المللی قفقاز که موجب زمینه‌های ایجاد بحران است (امیر احمدیان، ۱۳۸۳: ۹۸).

جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان در شرق منطقه قفقاز در کنار ساحل غربی دریای خزر قرار گرفته که مساحت آن ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع است که ۴۶ درصد از مساحت کلی قفقاز جنوبی را شامل می‌شود و از این رو بزرگترین کشور منطقه است. زبان مردم آن آذربایجانی و اسلام دین اکثریت می‌باشد اما مطابق قانون اساسی؛ نوع حکومت آذربایجان، جمهوری دموکراتیک غیرمذهبی است و سیاست‌های دولت مبتنی بر دستیابی به یک دولت سکولار است و از سه قوه مجریه، مقننه و قضاییه تشکیل شده است. نفت ۸۳ درصد صادرات این کشور را تشکیل می‌دهد که ۶۰ درصد آن به اتحادیه اروپا صادر می‌شود (اسدی کیا، ۱۳۷۴: ۳۶-۱۷).

وجود منابع انرژی در دریای خزر از دیگر نکات قابل توجه و اهمیت استراتژیک جمهوری آذربایجان است که موجب پدید آمدن کشمکش‌هایی میان قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بهره‌برداری و انتقال منابع انرژی و نفوذ در این کشور شده است. جهت‌گیری سیاسی - امنیتی آذربایجان با استناد به مبانی اعلامی سیاست خارجی این کشور متأثر از عوامل اساسی حفظ تمامیت ارضی و تحکیم استقلال کشور، برقراری روابط استراتژیک و همگرایی

با کشورها و نهادهای غربی، ملی‌گرایی آذری و دیپلماسی نفتی می‌باشد که حل و فصل بحران طولانی مدت قره‌باغ و استقلال سیاسی و اقتصادی از روسیه بعنوان دو پایه اساسی هدف نخست ذکر شده‌اند (واحدی، ۱۳۸۶: ۲۲۶-۱۲۰).

جمهوری ارمنستان

جمهوری ارمنستان ۲۹۸۰۰ کیلومتر مربع وسعت و قریب به ۳ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر جمعیت دارد. خط و زبان مردم این کشور ارمنی است. این کشور از نظر وسعت، کوچکترین واحد سیاسی و کوهستانی‌ترین جمهوری منطقه قفقاز جنوبی محسوب می‌شود. ارمنستان فارغ از محل تلاقی نیروهای نظامی امپراتوری‌های بزرگ و اندیشه‌ها، محل تلاقی ادیان بزرگ یعنی اسلام و مسیحیت نیز بوده است (روشندل، ۱۳۷۷: ۱۰-۱).

دراویل دهه ۹۰ عوامل و رویدادهای مهمی همچون عواقب ناشی از زلزله سال ۱۹۸۸، فروپاشی اتحاد شوروی در سال ۱۹۹۱ و از دست دادن شرکای تجاری سابق و جنگ با آذربایجان بر سر قره‌باغ و متعاقب آن تحریم‌های آذربایجان و ترکیه موجب تضعیف نظام اقتصادی و نابسامانی شدید اقتصادی ارمنستان شد که به مرور با بهره‌گیری از سیاست‌های متعادل در عرصه‌های بین‌المللی شرایط اقتصادی خود را بهبود بخشید. ارمنستان پس از استقلال نیز حفاظت از مرزهای خود را به مرزبانی روسیه سپرده است. ارمنستان از زمان استقلال، اصولی را به عنوان اصول حاکم بر سیاست خارجی خود طراحی و تنظیم نمود که شامل: عادی‌سازی روابط با کشورهای همسایه، توسعه همکاری‌های منطقه‌ای، همگرایی با سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و تلاش برای حل بحران قره‌باغ می‌باشد.

دو عنصر آسیب‌پذیری استراتژیک و بحران قره‌باغ بر استراتژی امنیتی ارمنستان سایه افکننده است. خروج از شرایط سنگین یاد شده رهبران ارمنستان را به اتخاذ و پیگیری «سیاست تکمیل متقابل» سوق داد که انعطاف حداکثری را بعنوان شالوده اساسی مد نظر قرار داد و بصورت موازی همکاری و توسعه مناسبات با همه قدرت‌ها را در دستور کار خود قرار داده است (روشندل - قلی پور، ۱۳۷۳: ۳۰-۱۷).

جمهوری گرجستان

جمهوری گرجستان در مرکز و غرب منطقه قفقاز واقع شده است و با مساحت ۶۹۷۰۰ کیلومتر مربع دومین جمهوری قفقاز جنوبی از نظر مساحت و جمعیت بعد از جمهوری آذربایجان بشمار می‌رود. اقتصاد این کشور با کشف و استخراج معادنی چون منگنز که بزرگترین معدن منگنز جهان می‌باشد و همچنین زغال سنگ و ایجاد صنایع حمل و نقلی تا اندازه‌ای شرایط مطلوبی پیدا کرده است (سلماسی‌زاده، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

گرجستان به لحاظ ژئواستراتژیک؛ هم برای مسکو، هم برای واشنگتن و هم برای استانبول از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. برای روسیه، این جمهوری کوچک نقش پلی به سوی ارمنستان را بازی می‌کند. برای ترکیه پلی به سوی کشور تحت‌الحمايه اش آذربایجان و برای آمریکا این سرزمین نقش دالان حمل و نقل نفت و گاز دریای خزر را به سوی اروپا ایفا می‌کند (چشمه‌اعلایی، ۱۳۸۴: ۱۵۱).

در سندی که در سال ۲۰۰۰ از سوی وزارت امور خارجه گرجستان به کنفرانسی با عنوان «گرجستان و شرکای آن: جهت‌گیری‌های هزاره جدید» ارائه شد و به عنوان اهداف استراتژیک گرجستان به تصویب شورای امنیت ملی گرجستان نیز رسید آمده است که: مهمترین اولویت برای سیاست خارجی گرجستان، الحاق کامل به ساختارهای سیاسی، اقتصادی و امنیتی اروپایی به‌منظور نیل به آروزی تاریخی ملت گرجستان در مشارکت کامل در جامعه اروپا است. گرجستان همکاری با ایالات متحده آمریکا و کشورهای اروپایی را به‌مثابه مهمترین بخش از استراتژی خود در همگرایی با اروپا و ساختارهای یورو - آتلانتیک می‌داند.^۱

حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی

الف - جمهوری اسلامی ایران

اهداف، منافع و راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

تمدن ایرانی از دوره هخامنشی یعنی ۶۰۰ سال قبل از میلاد در منطقه قفقاز حضور داشته است.^۲ علیرغم دست به دست شدن قفقاز و ولایات آن بین روسیه، ایران و قفقاز طی سال‌های

1. www.mfa.gov.ge

۲. در کتیبه داریوش بزرگ، پادشاه هخامنشی، در بیستون کرمانشاه از منطقه قفقاز بعنوان ایالتی که داریوش بر آن تسلط دارد و مردم آن به دادن خراج وادار شده‌اند نام برده شده است.

۱۵۰۰ تا ۱۸۲۸ (زمان انعقاد عهدنامه ترکمنچای)، دولت ایران بمدت ۲۷۰ سال بر قفقاز حاکمیت داشته است (دره میر حیدر، ۱۳۷۴: ۱۱).

فروپاشی شوروی تحولی سرنوشت‌ساز در سال‌های پایانی قرن بیستم بود که آثار دوگانه‌ای بر جایگاه و منافع منطقه‌ای ایران داشت. این واقعه از یکسو تهدید دویست ساله روسیه و تجاوزات این کشور را مرتفع نموده و متعاقب آن امکان ارتباط مستقیم با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز که بخشی از حوزه تمدن ایرانی بوده‌اند را فراهم نمود؛ البته این همسایگان تحت تاثیر احتمالی سیاست‌های آمریکا و متحدانش همچون رژیم صهیونیستی هریک می‌توانستند به یک منبع بالقوه تهدید علیه ایران تبدیل شوند. تمایل به ثبات در منطقه و تداوم حضور در روندهای سیاسی - امنیتی و اقتصادی منطقه از سرفصل‌های مهم سیاست ایران است (مرادی، ۱۳۸۵: ۵۴).

دیدگاه ایران نسبت به همسایگان شمالی تحت تاثیر تعامل چهار مولفه اساسی است که عبارتند از:

- ۱- نقش روابط ایران و روسیه و یا برتری دیدگاه روسیه‌گرا در سیاست خارجی ایران نسبت به آسیای مرکزی و قفقاز؛
- ۲- نقش اسلام و ماهیت ایدئولوژیک سیاست خارجی ایران؛
- ۳- عنصر جهانی و یا نقش آمریکا در شکل‌دهی سیاست منطقه‌ای ایران؛
- ۴- موقعیت ژئوپلیتیک ایران بعنوان حلقه ارتباطی آسیای مرکزی و قفقاز با جهان آزاد (مرادی، ۱۳۸۵: ۳۴).

قفقاز از جنبه امنیتی خط حائل بین ایران و سایر قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به شمار می‌رود. بر این اساس هرگونه ناامنی در آن تاثیر تعیین‌کننده‌ای بر ایجاد تهدید علیه ایران دارد. بنابراین دستیابی به امنیتی پایدار و ثبات در قفقاز، یک هدف استراتژیک برای ایران محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران سیاست خود را در منطقه قفقاز بر اصول حسن همجواری، تنش‌زدایی و گفتگوی تمدن‌ها و فرهنگ‌ها استوار نموده و خواستار قفقازی صلح‌جو، با ثبات و رو به توسعه است و اعتقاد دارد که صلح و ثبات قفقاز نقشی مثبت در رشد و ترقی جمهوری اسلامی ایران خواهد داشت (واعظی، ۱۳۸۶: ۲۹۰).

البته این سیاست و دیدگاه امنیتی تنش‌زدایی ایران موجب ناخرسندی برخی کشورهای غربی بویژه آمریکا و رژیم صهیونیستی شده است و آنها به صراحت فعال شدن ایران در قفقاز را مانع برقراری صلح و ثبات در منطقه برشمردند. رهیافت کلی جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز این است که حضور قدرت‌های خارجی بویژه رژیم صهیونیستی تهدیدی برای امنیت و ثبات قفقاز به شمار می‌رود و با تفاهم مشترک و همکاری متقابل همه کشورهای منطقه، می‌توان امنیت قفقاز را تأمین کرد.

ب- روابط جمهوری اسلامی ایران با سه کشور قفقازی

توسعه روابط و نهادینه کردن نقش موثر ایران در منطقه قفقاز، مهمترین رویکرد ایران در روابط با کشورهای قفقاز جنوبی است. علاوه بر پیوستگی‌های ژئوپلیتیکی و سیاسی، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران و جمهوری‌های قفقازی در برخی حوزه‌ها مکمل یکدیگر تلقی می‌شود. البته کشورهای قفقازی نیز در راهبرد روابط خارجی خود جایگاه ویژه‌ای برای روابط با ایران قائل می‌باشند. یکی از اشتراکات هر سه کشور قفقاز در نگرش به ایران، دیدگاه سیاسی و تعادل‌بخشی به روابط خارجی آنها است (واعظی، ۱۳۸۶: ۲۹۶).

روابط جمهوری اسلامی ایران و ارمنستان

سفر نیکول پاشینیان نخست وزیر ارمنستان و بخشی از هیات دولت او به تهران در اسفند ۱۳۹۷ و توافقات مهم فیما بین بویژه در حوزه تهاثر برق و گاز و طرح انتقال گاز ایران از ارمنستان به گرجستان بیانگر ارتباطات دوستانه دو کشور است. از همین زاویه روابط و مناسبات ایران و ارمنستان از روند رو به رشدی برخوردار است که این امر بواسطه عواملی همچون اشتراکات تاریخی و فرهنگی، حضور اقلیت ارمنی قابل توجه در ایران و تعامل مثبت آنها با حکومت مرکزی ایران، اهمیت ژئوپلیتیکی ارمنستان برای ایران بعنوان حائل بین ترکیه و جمهوری آذربایجان، مواضع دوستانه ایروان نسبت به ایران، نیاز ارمنستان به ایران در شرایط تخاصم ارمنستان با ترکیه و آذربایجان و جدایی جغرافیایی از روسیه می‌باشد. علاوه بر دلایل و انگیزش‌های مذکور سطح مطلوب مناسبات دوستانه و توأم با احترام متقابل بین دو کشور

طی سال‌های گذشته نیز عاملی کلیدی و مهم در ایجاد نگرش‌های مثبت نسبت به روابط فیما بین در دو کشور و در بین مسئولان دو کشور بوده است.

ارمنستان به‌وضوح در سند یا دکترین استراتژی امنیت ملی خود از روابط دو کشور و نوع و کیفیت ارتباط با ایران یاد می‌کند و اعلام می‌دارد: «توسعه روابط حسن همجواری سنتی با ایران برای ارمنستان به چند عامل عینی دارای اهمیت بزرگ یعنی مورد همسایگی، روابط تاریخی- فرهنگی، منافع اقتصادی متقابل منوط می‌باشد. مسیرهای حمل و نقلی که ارمنستان را با دنیای خارجی وصل می‌کنند، از طریق خاک ایران عبور می‌کنند. در شرایط محاصره اقتصادی و حمل و نقلی از سوی دو کشور همسایه، نقش ایران بعنوان کشور ترانزیتی به سوی آسیا و خاورمیانه مهم می‌باشد. سیستم‌های انرژی دو کشور همکاری می‌کنند، چند برنامه مهم در دست اجراست که تأمین منبع آلترناتیو امنیت انرژی ارمنستان را برعهده دارند. روابط با ایران از این نظر برای ارمنستان ارزش دارد که ایران بعنوان نماینده وزین منطقه و دنیای اسلام در مسأله حل درگیری قره‌باغ اصولاً برخورد متعادل را دارد»^۱.

میزان تبادلات تجاری ارمنستان با جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۷ حدود ۳۵۰ میلیون دلار اعلام شده است.^۲

یکی از نمادهای عمده و قابل ملاحظه توسعه مناسبات بین ایران و ارمنستان آغاز بکار خط لوله انتقال گاز ایران به ارمنستان از تاریخ چهارشنبه ۲۳ اردیبهشت ۱۳۸۸ بود. قرارداد اجرایی پروژه فوق در سال ۲۰۰۴ بین دو کشور به امضا رسید. بر اساس این قرارداد، حجم صادرات گاز به ارمنستان بیش از ۲ میلیارد متر مکعب در سال است و در عوض ارمنستان نیز به جمهوری اسلامی ایران برق صادر می‌نماید که مطابق برنامه‌ریزی قبلی مقرر است از سال ۲۰۱۹ به ۶.۹ میلیارد کیلووات ساعت افزایش پیدا کند.^۳

روابط جمهوری اسلامی ایران و آذربایجان

روابط با آذربایجان نیز برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است چرا که از یکسو آذربایجان پس از ایران و عراق سومین کشور جهان است که

1. ww.mil.am.

2. www.iranembassy.am.

3. www.hhpess.am/20090246.

اکثریت مردم آن مسلمان شیعه هستند و تاریخ و فرهنگ مشترک، اشتراک نژادی با بخش عظیمی از مردم ایران و داشتن ۷۶۷ کیلومتر مرز مشترک با ایران نقش آذربایجان را در سیاست خارجی ایران از اهمیت دو چندان برخوردار نموده است. ضمن آنکه باید به این عوامل؛ وجود منافع مشترک انرژی در دریای خزر، بازار پر سود آذربایجان، نیاز آذربایجان به مسیرهای انتقال کالا و انرژی، نیاز به مساعدت ایران به منطقه نخجوان، نقش ایران در حل و فصل مناقشه قره‌باغ و نهایتاً حضور کشورهای آمریکا و اسرائیل در این کشور موجب پیچیدگی مناسبات تهران - باکو شده است (واحدی، ۱۳۸۲: ۲۳۲). البته ایران و آذربایجان نقاط چالش برانگیز نیز دارند که عبارتند از:

- پیگیری نهضت پان آذری توسط دستگاه‌های رسمی و غیر رسمی آذربایجان؛

- نگرانی از تشکیل محور باکو - آنکارا - تل آویو. کریستوفر بوسک پژوهشگر موسسه مطالعات دفاعی و امنیتی دانشکده مطالعات شرق و آفریقای لندن معتقد است که ممانعت از اعمال نفوذ ایران و محاصره هر چه بیشتر آن یکی از اهداف توسعه روابط اسرائیل با آذربایجان است هرچند آذری‌ها این محور را پاسخی به محور تهران - مسکو - ایروان می‌دانند (بوسک، ۱۳۶۸: ۲۵۶)؛

- نگرانی از پیامدهای منفی بحران قره‌باغ، بحران قره‌باغ بین آذربایجان و ارمنستان بواسطه همجواری با مرزهای ایران، امنیت ملی ایران را به چالش کشیده و موجبات سرازیر شدن موجی از آوارگان آذری را به سوی مرزهای ایران فراهم ساخت؛

- اختلاف با آذربایجان بر سر رژیم حقوقی دریای خزر، اختلافات دو کشور پیرامون رژیم حقوقی دریای خزر نیز می‌تواند منبع مهمی برای تنش و مناقشه دو کشور باشد. البته حضور سه کشور دیگر یعنی روسیه، قزاقستان و ترکمنستان از تبدیل موضوع به مناقشه‌ای دوجانبه جلوگیری نموده است.

با عنایت به مراتب فوق، علیرغم وجود برخی تحولات مثبت در روابط و مناسبات فی‌مابین می‌توان گفت اتخاذ مواضع غیردوستانه از سوی دولت آذربایجان، عدم تمایل باکو به ایفای نقش فعال ایران در منطقه تحت فشار ایالات متحده آمریکا، توسعه روابط باکو و تل آویو، برخی جاه‌طلبی‌ها نسبت به آذربایجان ایران و اتهامات مقامات ارشد باکو به ایران مبنی بر

حمایت از ارمنستان و حرکت‌های اسلامی در این کشور، تلاش ایران برای توسعه روابط با باکو را تحت الشعاع قرار داده است. حجم مبادلات تجاری غیرنفتی ایران و آذربایجان در ۱۳۹۷ حدود ۵۰۰ میلیون دلار و حجم مجموع مبادلات نفتی و غیر نفتی دو کشور بالغ بر یک میلیارد دلار اعلام شده است.

روابط جمهوری اسلامی ایران و گرجستان

روابط ایران و گرجستان بواسطه عواملی همچون نداشتن مرز مشترک و عدم وجود چالش و تعارض منافع بین دو کشور همواره از وضعیت مطلوبی برخوردار بوده است و روابط دو کشور علیرغم داشتن روابط خوب گرجستان با آمریکا بواسطه عدم برخورداری از ظرفیت‌های تهدید علیه منافع ایران در منطقه کمتر تنش‌زا و مناقشه برانگیز بوده است. طرفین تاکنون قریب به ۵۰ سند دوجانبه به امضا رسانده‌اند که در این راستا می‌توان به قرارداد حمل و نقل هوایی، قرارداد تقویت و حمایت دوجانبه از سرمایه‌گذاری، قرارداد اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و ... اشاره کرد. حجم مبادلات تجاری فی‌مابین در سال ۱۳۹۷ حدود ۲۰۰ میلیون دلار بوده است.^۱ آخرین سفر مقام گرجی به ایران به سفر گئورگی کوبیریکاشویلی نخست وزیر و تعدادی از اعضای هیات دولت او به تهران در اردیبهشت ۹۶ برمی‌گردد که زمینه‌ساز نشست چهارجانبه وزرای خارجه ایران، گرجستان، آذربایجان و ترکیه در باکو با محوریت موضوعات حمل و نقلی، انرژی و مقابله با تهدیدات مشترک از جمله تروریسم و افراطی‌گری شد.

رژیم صهیونیستی

الف- اهداف، منافع و راهبردهای منطقه‌ای رژیم صهیونیستی

پس از فروپاشی شوروی، اسرائیل بمنظور گسترش نفوذ در منطقه، فعالانه در جستجوی دوستان جدید بوده و در این چارچوب آذربایجان، گرجستان، ازبکستان و قزاقستان جزء اولویت‌های رژیم صهیونیستی بشمار می‌روند. از آن پس رژیم صهیونیستی بواسطه اهداف و انگیزه‌های ذیل تلاش کرد تا در منطقه نفوذ بیشتری داشته باشد:

1. <http://www.mfa.gov.ge>

* ترس از دستیابی دشمنان اسرائیل در خاورمیانه به سلاح‌ها و فناوری هسته‌ای؛

* سرنوشت یهودیان منطقه آسیای مرکزی و قفقاز؛

* ترویج تفکرات صهیونیستی؛

* توسعه پیوندهای اقتصادی با هدف توسعه روابط سیاسی و افزایش عمق استراتژیک در

منطقه؛

* تلاش برای جلب همکاری جمهوری‌های منطقه در مجامع بین‌المللی؛

* تحکیم بیشتر روابط با آمریکا از طریق تحکیم پیوند با کشورهای منطقه قفقازی (ملکی،

۱۳۷۷).

برای اولین بار در آوریل سال ۲۰۰۹، لیبرمن، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی، بن آریا^۱ را به عنوان نماینده ویژه رژیم صهیونیستی در امور کشورهای مشترک المنافع منصوب نمود. هدف از این اقدام نیز تدوین برنامه همکاری با جمهوری‌های شوروی سابق اعلام شد. رژیم صهیونیستی تاکنون هیچ تمایلی برای حضور در گروه‌های دخیل در حل و فصل مناقشات قفقاز جنوبی نظیر گروه موسوم به دوستان دبیر کل سازمان ملل برای حل و فصل مناقشه آبخازیا و یا گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا برای حل و فصل مناقشه قره‌باغ نشان نداده است. شاید این مفروض قرین به واقعیت باشد که اسرائیل تداوم شرایط نه جنگ و نه صلح در قفقاز را زمینه مساعدی برای گسترش نفوذ خود در منطقه قفقاز و امتیازگیری از کشورهای منطقه می‌داند. اسرائیل با مساعدت ترکیه و آمریکا اهداف توسعه‌طلبانه خود در منطقه را دنبال می‌کند که بخش عمده این اهداف و برنامه‌ها برای منزوی کردن ایران و روسیه، سرکوب اندیشه‌های اسلامی و ترویج تفکرات صهیونیستی است (روشندل، ب، ۱۳۷۷: ۱۲۷).

به باور عمده کارشناسان سیاسی، نیاز جمهوری‌های منطقه قفقاز به سرمایه و تکنولوژی، وجود رهبران لائیک در منطقه، سانسور جنایات رژیم تروریستی اسرائیل در رسانه‌های جمعی منطقه و وجود جمعیت یهودیان در منطقه قفقاز و آسیای مرکزی از عوامل تسهیل‌کننده

۱. وی قبلا در سمت سفیر این رژیم در بلاروس، روسیه و اوکراین فعالیت کرده است. بن آریا طی چند ماه اخیر مسئول ارتباط با کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی بود.

حضور اسرائیل در قفقاز جنوبی است.

ب- روابط رژیم صهیونیستی با سه کشور قفقازی

روابط رژیم صهیونیستی و ارمنستان

از نظر ارمنه یکی از اهداف اتحاد نظامی سه‌جانبه اسرائیل، ترکیه و آذربایجان، تحت فشار قرار دادن ارمنه است. ضمن اینکه از نظر ارمنه، رژیم صهیونیستی یکی از موانع در راستای شناسایی کشتار ۱۹۱۵ ارمنه بعنوان نسل‌کشی بوده است. به نحوی که ریوکا کوهن سفیر اسبق رژیم صهیونیستی در ارمنستان که در عین حال سفیر در گرجستان و البته مقیم تل‌آویو بوده در فوریه ۲۰۰۲ در یک سخنرانی تاکید نمود: نمی‌توان به واقعه ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ عنوان نسل‌کشی داد. ارمنستان تاکنون بخاطر این موضوع و برخی ملاحظات منطقه‌ای به‌رغم فشارهای اسرائیل در فلسطین اشغالی سفارت باز نکرده است. حال آنکه کنسولگری ارمنستان در تل‌آویو فعال است (کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۸۷). حجم مبادلات تجاری رژیم صهیونیستی با ارمنستان در سال ۲۰۱۷ حدود ۱۰۰ میلیون دلار اعلام شده است.^۱

روابط رژیم صهیونیستی و آذربایجان

رژیم صهیونیستی پیش از فروپاشی شوروی برای حضور در آذربایجان تلاش می‌کرد و در این راستا نیز در سال ۱۹۹۰ انجمن دوستی آذربایجان - رژیم صهیونیستی ایجاد شد که بواسطه آن یهودیان آذربایجان با جوامع یهودیان آمریکا و رژیم صهیونیستی روابط نزدیکی دارند.

نفوذ رژیم صهیونیستی در آذربایجان از دوران حکومت ملی‌گرایان افراطی جبهه خلق بر آذربایجان آغاز شد. ابوالفضل ایلچی بیگ رئیس جبهه مزبور بخاطر رویاهای تشکیل «توران بزرگ» از ترکیه تا چین و اعتماد و اطمینان به دستیابی به این اوام با کمک و مساعدت رژیم صهیونیستی به این رژیم نزدیک شد که در این امر دشمنی با نظام جمهوری اسلامی ایران نیز دیدگاه و رویکرد مشترک بین آن دو را فراهم ساخت. پس از این مقطع نیز حیدر علی‌اف که فکر می‌کرد بدون رابطه با رژیم صهیونیستی نمی‌تواند از حمایت آمریکا بهره‌مند شود، روابط خود با این رژیم را گسترش داد. روابط رسمی بین رژیم صهیونیستی و آذربایجان در

1. www.armenianforeignministry.com

سال ۱۹۹۲ همزمان با سفر معاون نخست وزیر وقت رژیم صهیونیستی به باکو و تصمیم به افتتاح سفارت رژیم صهیونیستی در باکو^۱ و قرارداد دایر کردن خط هوایی باکو - تل آویو آغاز شد (کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۵۹).

حیدر علی اف در سال ۱۹۹۹ گفته بود: وضعیت ارضی آذربایجان با وضعیت ارضی رژیم صهیونیستی یکسان است. رژیم صهیونیستی نیز بطور کلی از دو حربه برای گسترش نفوذ در آذربایجان استفاده می کند: یکی مسائل اقتصادی و دیگری از طریق نهادهای به اصطلاح اشاعه دهنده دموکراسی.

اتحاد سه گانه اسرائیل، ترکیه و آذربایجان نیز که به شدت مورد حمایت آمریکا قرار دارد در راستای طرح به اصطلاح «خاورمیانه بزرگ» که هدف آن خارج کردن اسرائیل از انزوای منطقه ای است، ارزیابی می گردد. بر اساس تحلیلی از آژانس خبرگزاری توران، اسرائیل در جمهوری آذربایجان بعنوان یک شریک بالقوه شناخته می شود. همچنین به رغم انکار و تکذیب رئیس جمهوری آذربایجان تعدادی از منابع تایید کرده اند که اسرائیل و ترکیه تجهیزات نظامی و تسلیحاتی از جمله موشک های استینگر را حتی بدون اجازه آمریکا به جمهوری آذربایجان فروخته اند (Bulent aras, (jan. 1998) : 69).

اهداف محوری و اصلی آذربایجان از تداوم و ارتقای مناسبات خود با تل آویو شامل جذب و افزایش سرمایه گذاری شرکت های اسرائیلی در آذربایجان، دریافت کمک های مالی، فراهم ساختن زمینه های همگرایی بیشتر با غرب و ایجاد فشار بیشتر به ارمنستان در مناقشه قره باغ می باشد که البته در بخش عمده ای از این موارد آذربایجان توفیقی کسب نکرده است. اهداف محوری و اصلی اسرائیل از مناسبات با آذربایجان نیز شامل اقدام به توصیه بن گوریون مبنی بر لزوم توسعه روابط اسرائیل با کشورهای غیر عربی نزدیک به خاورمیانه، بهره مندی از ذخایر عظیم انرژی در آذربایجان، انتقال یهودیان آذربایجان به سرزمین های اشغالی، نزدیکی به مرزهای طولانی جمهوری اسلامی ایران، مقابله با گسترش اسلام گرایی، تقویت فرقه های ضاله در این کشور و تبدیل آن به پایتخت بهایی ها، خروج از بحران مشروعیت سیاسی و جلوگیری از تشکیل جبهه ضد اسرائیلی در قفقاز می باشد (کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۶۴).

۱. در سال ۱۹۹۲ نخست الیز یوتوب بعنوان کاردار موقت رژیم صهیونیستی معرفی و سال بعد به عنوان اولین سفیر این رژیم در باکو معرفی شد.

اخیراً روزنامه هارتس اسرائیلی اعلام داشت که وزارت دفاع اسرائیل قراردادهایی با دولت آذربایجان در رابطه با ارسال تجهیزات نظامی، سلاح و مهمات به ارزش چند صد میلیون دلار منعقد نموده است که این تسلیحات عبارتند از: مسلسل‌های نوع تاوور Ter-21 و تامین مهمات آن، فروش توپ تولید سولتام و مهمات به آذربایجان، ارسال سیستم‌های توپخانه‌ای- موشکی صنایع دفاع (TAAC) و سیستم‌های ارتباطی شرکت تادیران، موضوع فوق پیشتر از سوی خبرگزاری آذری پرس آذربایجان نیز اعلام شده بود.^۱

حجم مبادلات فیما بین در سال ۲۰۱۸ قریب به ۵ میلیارد دلار با تکیه بر فروش نفت آذربایجان به اسرائیل و فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی اسرائیل به آذربایجان ذکر شده است.^۲

روابط رژیم صهیونیستی و گرجستان

روابط دیپلماتیک رژیم صهیونیستی و گرجستان از اول ژوئن ۱۹۹۲ آغاز شد. زمینه‌های همکاری در بخش سیاسی و فرهنگی به سه بخش عمده اعلامی تنظیم گفتگوهای سیاسی دوجانبه و چندجانبه، همکاری بین نهادهای قانونی و رسمی (گروه دوستی پارلمانی) و همکاری در زمینه‌های فرهنگی و آموزشی تقسیم و دسته‌بندی شدند در گستره همکاری گرجستان و رژیم صهیونیستی در قسمت سوم فوق‌الاشاره مباحث زیر مجموعه‌ای همچون معرفی فرهنگ و سنت‌های گرجستان به جامعه اسرائیلی، نگهداری و حفاظت از میراث فرهنگی گرجستان در اسرائیل، ایستگاه رادیو و تلویزیون گرجی زبان در اسرائیل قرار دارند.^۳

طی سال‌های اخیر روابط رژیم صهیونیستی با گرجستان نیز روند صعودی داشته است. البته این مناسبات با سفر موشه کتساو رئیس جمهور رژیم صهیونیستی به گرجستان در ۲۶ ژانویه ۲۰۰۱ و عقد قرارداد مبارزه با تروریسم و سفر کوتاه سال ۲۰۰۴ میخائیل ساکاشویلی رئیس جمهور گرجستان به فلسطین اشغالی گسترش یافت (کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۸۸).

روزنامه آخالی ورسیا چاپ تفلیس در شماره ۱۸ مارس ۲۰۰۲ خود فاش کرد اسرائیل و گرجستان در تولید و مونتاژ مهمات نظامی همکاری می‌کنند. قراردادهای نظامی که میان

1. www.hhpress.am/20090327.
2. www.mfa.gov.az/20181121.
3. www.mfa.gov.ge.

اسرائیل و گرجستان منعقد شده است (براساس گزارش روزنامه عبری زبان یدیعوت آهارانوت) به شرح زیر است:

- قرارداد: فروش هواپیماهای بدون خلبان هرمس ۴۵۰؛
- قرارداد: فروش سامانه موشکی متحرک موسوم به «لینکس»؛
- پیشرفته سازی هواپیماهای سوخوی ۲۵؛
- فروش سلاح انفرادی (کاظمی، ۱۳۸۴: ۴۹۰).

اسرائیل در خصوص مناقشات آبخازیا و اوستیای جنوبی گرجستان همواره دست کم در سیاست آشکار و اعلامی خود در منطقه قفقاز جنوبی از تمامیت ارضی گرجستان حمایت کرده و در رای گیری در سازمان ملل نیز رای مثبت به تمامیت ارضی گرجستان داده بود. البته در کنار این امر تل آویو روی یهودیان ساکن در آبخازیا و اوستیای جنوبی نیز کار می کند. همچنین گزارش های موجود نشان می دهد که نقش رژیم صهیونیستی در ماجرای گرجستان تنها به فروش سلاح های پیشرفته به این کشور محدود نمی شود، بلکه افسران صهیونیستی نیز در آموزش نظامی نیروهای گرجی مشارکت دارند و شرکت های اسرائیلی فعال در زمینه تولید اسلحه نیز در این کشور حضور پیدا می کردند. همچنین دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی رژیم صهیونیستی حضور گسترده ای در گرجستان به ثبت رساندند و برخی از آنها نیز رسماً نمایندگان در این کشور دارند.

طرفین طی سال های اخیر اسنادی همچون قرارداد دوجانبه تقویت و حمایت دوجانبه از سرمایه گذاری، قرارداد حمل و نقل هوایی و یادداشت تفاهم تاسیس مرکز مشاوره ای مشترک دوجانبه، موافقتنامه همکاری های کشاورزی، امنیت غذایی، حوزه دامپروری به امضا رساندند. سال گذشته توافق همکاری تجاری بین اسرائیل و گرجستان تا سقف یک میلیارد دلار برنامه ریزی و مصوب شد که اطلاعاتی از میزان تحقق توافق مذکور در دست نیست.^۱

تقابل راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی در قفقاز

حضور گسترده و رو به افزایش رژیم صهیونیستی در منطقه پیرامونی جمهوری اسلامی

1 . <http://www.mfa.gov.ge>.

ایران بویژه با عنایت به تخصص و تعارض آشکار و علنی سیاست‌های فیما بین، زمینه‌ساز تقابل رویکردها و برنامه‌ها در قفقاز جنوبی شده است. رژیم صهیونیستی با درک اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی قفقاز جنوبی، طی سال‌های اخیر تمرکز بیشتری را بر روی کیفیت حضور خود در منطقه اعمال کرده است که به مرور از قالب حضور در عرصه‌های اقتصادی به حضور در ابعاد فرهنگی، نظامی و امنیتی تبدیل شده است. طبیعی است در چنین حالتی جمهوری اسلامی ایران نیز با درک حساسیت‌ها و چرایی این تقلای سازمان‌یافته و برنامه‌ریزی شده، راهبردهای نوینی را در قبال منطقه قفقاز و کشورهای منطقه دنبال نماید و از تعدی به حوزه منافع حیاتی خود بکاهد.

با مرور رویدادها و راهبردهای رژیم صهیونیستی در حوزه همسایگان ما علاوه بر آشکار شدن ضعف حاکمیتی دولت‌های مستقر در همسایگی ما، مفروضات متعددی همچون لزوم و چگونگی شناسایی و شناخت نقاط تقابلی، پیش‌بینی و احتمالات آتی و نهایتاً کیفیت راهبردهای واکنشی یا اتخاذی مطرح می‌گردد که هر یک از آنها می‌تواند فضای جدیدی را برای برون‌رفت از خطر و تهدید احتمالی منافع حیاتی فراهم سازد.

بنظر می‌رسد حضور و نقش رژیم صهیونیستی در گرجستان بویژه در مقطع درگیری با روسیه، تنها به فروش سلاح‌های پیشرفته به این کشور محدود نشد، بلکه افسران صهیونیستی با اغتنام از فرصت، با حضور در این کشور ضمن مشارکت در آموزش نظامی نیروهای گرجی، زمینه تولید اسلحه توسط شرکت‌های رژیم صهیونیستی در این کشور را نیز فراهم نمودند.

در گزارشی از روزنامه صهیونیستی هارتس آمده است: «فروش اسلحه به گرجستان از هفت سال پیش و از زمانی آغاز شد که شماری از یهودیان گرجی به اسرائیل مهاجرت کردند و بعد از آن شرکت‌های اسرائیلی در ساختار نظامی و سیاسی این کشور نفوذ کردند». از این رو رژیم صهیونیستی در اولین گام‌های حضور مستمر خود در گرجستان، علاوه بر فراهم ساختن حضور نیروها و افسران نظامی و امنیتی خود در منطقه، مناسبات گسترده اقتصادی را نیز دنبال نمود تا با ایجاد وابستگی به خود، تفلیس را در معادلات منطقه‌ای همراه سازد، امری که در ادامه به شکاف مناسباتی بین ایران و گرجستان منتهی شد و شاید بخش عمده اختلاف نظرهای تهران و تفلیس و همچنین کاهش مناسبات اقتصادی فیما بین و بعضاً مشکلات کنسولی و

توریستی کنونی نیز منتج از رویداد فوق باشد.

یکی دیگر از تقابل‌های آشکار راهبردهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی، مربوط به حضور پر ابهام و طراحی شده اسرائیل در باکو و عمق‌بخشی به روابط دوجانبه با آذربایجان تا سطح روابط استراتژیک است. فارغ از تلاش اسرائیل برای افزایش دامنه حضور خود در بخش‌ها و عرصه‌های مختلف آذربایجان با هدف ممانعت از حضور موثر ایران، اتخاذ راهبردهای مختلف با هدف برنامه‌ریزی برای آینده است که نگرانی‌ها را دوچندان می‌سازد و منافع حیاتی جمهوری اسلامی ایران را نشانه رفته است. بنظر می‌رسد اسرائیل با راهبردهای متعدد و متنوع شیعه‌ستیزی، ایران‌ستیزی، فرهنگی، اقتصادی، قومیت‌گرایی، رسانه‌ای و ... در تلاش است تا حضور ضعیف ایران در باکو را بجز در ارتباط با مصالح ارتباطات همسایگی، متزلزل‌تر سازد.

به موازات حضور گسترده‌تر فرهنگی، سیاسی و نظامی - امنیتی رژیم صهیونیستی در آذربایجان، شاهد افزایش تجهیز تسلیحاتی باکو به بهانه مناقشه قره‌باغ، تقویت شعارها و احساسات تجزیه‌طلبانه همچون طرح و انتشار شعارها و برنامه‌هایی در راستای تحقق افسانه توران بزرگ، حضور و تردد نیروهای ضد انقلاب و مخالف ایران، شائبه دسترسی‌های نظامی و اعطای فضا و پایگاه‌های احتمالی نظامی و جاسوسی به رژیم صهیونیستی هستیم که طبعاً در تقابل آشکار با رویکرد صلح‌طلبانه و توسعه‌محور جمهوری اسلامی ایران قرار دارد.

تقابل رژیم صهیونیستی و جمهوری اسلامی ایران در موضوعات و چالش‌های منطقه‌ای

ایران و رژیم صهیونیستی علاوه بر تقابل در راهبردها و رویکردهای کلان در منطقه، در پاره‌ای از موضوعات و مناقشات منطقه‌ای نیز سیاست‌های متعارضی را دنبال می‌کنند که بعضاً از سوی اسرائیل به محملی برای نمایش قدرت و نفوذ خود در منطقه تبدیل شده و البته استمرار و لجاجت بر آنها می‌تواند آینده پُرچالشی را به ذهن متبادر سازد.

مناقشه قره‌باغ پاشنه آشیلی برای صلح، ثبات و توسعه منطقه است که علی‌رغم وساطت روسای گروه مینسک سازمان امنیت و همکاری اروپا و نشست‌های کی‌وست، پاریس، هلسینکی، مادرید، مسکو، پراگ و سنت‌پترزبورگ هنوز در خصوص سه موضوع اصلی حق تعیین سرنوشت، عدم کاربرد زور و رعایت تمامیت ارضی به سرانجام نرسیده است.

موضع رژیم صهیونیستی در مناقشه قره‌باغ بسیار محتاطانه است چرا که در این مناقشه از یکسو جمهوری آذربایجان قرار دارد که با داشتن موقعیت استراتژیک در قفقاز جنوبی دارای ذخایر قابل توجه انرژی فسیلی است که کشورهای غربی و متحد آنها همچون اسرائیل نمی‌توانند به آن بی‌توجه باشند. ضمن آنکه در چارچوب اتحاد امنیتی سه‌جانبه آذربایجان، ترکیه و اسرائیل با یکدیگر همکاری دارند. در عین حال در دیگر سو ارمنستان قرار دارد که لابی ارمنی آن در بسیاری از کشورهای غربی از جمله فرانسه از نفوذ قابل توجهی برخوردارند ضمن اینکه مسیحی بودن ارمنستان خود به خود یک امتیاز برای این کشور در کلوب مسیحی اروپا و آمریکا در برابر آذربایجان محسوب می‌شود. از همین روی رژیم صهیونیستی موضع محتاطانه‌ای را در قبال مناقشه قره‌باغ در پیش گرفته است. بر همین اساس تا سال ۲۰۰۰ اسرائیل همواره در قبال مناقشه قره‌باغ رای ممتنع داد که البته می‌تواند متأثر از رای ممتنع اغلب کشورهای غربی همچون فرانسه و آمریکا به این قطعنامه باشد. این موضع از سال ۲۰۰۱ و در رای گیری ۱۵ دسامبر ۲۰۰۱ سازمان ملل در خصوص تمامیت ارضی آذربایجان تغییر کرده و به رای مثبت به نفع آذربایجان تبدیل شد که این امر را شاید بتوان به کیفیت مناسبات ارمنستان با ایران، عدم گشایش سفارت ارمنستان در فلسطین اشغالی و نهایتاً ناکامی اسرائیل در رسیدن به انتظاراتش در روابط با ارمنستان منوط دانست (کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۵۴).

در چنین حالتی موضع ایران در قبال قره‌باغ طی سال‌های متمادی موضعی روشن و ثابت با رعایت ملاحظات هر دو همسایه با هدف حفظ صلح و ثبات و حفظ آرامش منطقه‌ای بوده است. دقیقاً نقطه مقابل رویکرد و راهبرد آشکار رژیم صهیونیستی که شاید آغاز و گسترش تنش‌های منطقه‌ای فرصت بهره‌برداری بسیاری را برای آن به همراه خواهد داشت.

ب- مسئله اوستیای جنوبی، آبخازیا و آجاریا

با حمله ناگهانی گرجستان به مواضع پاسداران صلح مستقر در تسخینوالی در تاریخ ۸ آگوست، جنگ بین گرجستان و جدایی طلبان اوستیا از یک سو و سربازان پاسدار صلح روسی از سوی دیگر آغاز شد و پس از یک درگیری جدی، شرایط منطقه دگرگون شده و روسیه متعاقب این درگیری‌ها، استقلال اوستیای جنوبی و آبخازیا را علی‌رغم عدم حمایت و همراهی سازمان قرارداد امنیت جمعی به رسمیت شناخت و قدرت‌ها در نشست بروکسل از حمله و جنگ مستقیم روسیه علیه گرجستان چشم‌پوشی کردند و صرفاً به محکوم کردن روسیه و لزوم عقب‌نشینی نیروها از گرجستان اکتفا کردند.

جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی و زبانی و به منظور حضور خود در منطقه از ابتدا سیاست تنش‌زدایی و توسعه همکاری با این کشورها بر اساس احترام متقابل و شناسایی استقلال آنها و حفظ تمامیت ارضی آنها را در پیش گرفت. ایران از استقلال و همگرایی و وحدت گرجستان و حفظ تمامیت ارضی آن حمایت کرده و حل و فصل بحران‌های تجزیه‌طلبی را در راستای حفظ و ثبات منطقه و کشورهای منطقه می‌داند. رژیم صهیونیستی که پیشتر با هدف تامین منافع اقتصادی خود و اتباعش در گرجستان حضور داشت در جریان جنگ روسیه و گرجستان، حضور آشکارتری را دنبال نمود تا جاییکه اخباری مبنی بر حضور طراحان و فرماندهان آموزشی اسرائیل در گرجستان از جمله ژنرال گال هیرش فرمانده آماده‌سازی عملیات اسرائیل به لبنان در سال ۲۰۰۶ مطرح و فاش شد (عسگری، ب، ۱۳۸۳: ۷۰).

ناگفته پیداست فارغ از تعارضات و تناقضات راهبردی و رفتاری بین ایران و رژیم صهیونیستی در نمونه‌های چالشی منطقه‌ای فوق‌الذکر، حضور این رژیم به مباحثی همچون: گسترش اختلافات منطقه‌ای و مرزی، تشدید مسائل امنیتی، گستراندن تورهای جاسوسی برای جوانان و محدود مخالفان نظام، گسترش و ترغیب شعارهای تجزیه‌طلبانه، افزایش نگرش‌های لائیک و یا ترویج مباحث تبشیری و تزلزل در اسلام‌گرایی مردمان کشورهای منطقه و نهایتاً دور شدن این کشورها از گستره همسایگان و همپیمانان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دامن خواهد زد.

باتوجه به اهمیت مباحث فوق‌الذکر در چارچوب منشور اعتقادی، سیاسی و امنیتی

کشورمان، طبیعی است عدم مراقبت حاکمان و دولت‌های مستقر بر کشورهای همسایه در مدیریت کیفیت روابط با رژیم صهیونیستی در منطقه پیرامونی ما، می‌تواند علاوه بر تاثیر سلبی بر روابط دوجانبه با جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌ساز برخورد فیما بین در فضای تمامیت ارضی آنها باشد که خسارت‌های بیشماری را برای کشورهای همسایه موجب خواهد شد. ضمن آنکه اینگونه امور و آشکار شدن نقش دولت‌های منطقه‌ای در میزبانی از سیاست‌ها و برنامه‌های رژیم صهیونیستی، به شناخت دقیق‌تر و کامل‌تر حاکمان پیرامونی و دورنمای انتظارات و علاقمندی‌های آنها منتهی خواهد شد که از این بعد، فرصت مغتنمی برای چگونگی و اثرگذاری برخورد احتمالی با آنها قلمداد می‌شود.

بنظر می‌رسد در شرایط کنونی لازم است فارغ از سیاست‌ها و اقدامات پیش‌بینی شده احتمالی جهت زمان تخصیص و درگیری، راهبرد نوینی نیز برای تقویت مناسبات و تعاملات منطقه‌ای و توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای قفقازی تنظیم، تدوین و دنبال گردد. بلاشک مولفه‌ها و شاخص‌های مهم زیر می‌تواند راهبرد فوق را تقویت کند: تنظیم همکاری فزاینده با کشورهای قفقازی، گسترش دامنه همکاری‌های اقتصادی، بهره‌مندی از اثرات برنامه کمک‌های توسعه‌ای مشابه سال‌های آغازین استقلال آنها، تقویت بنیان‌های فرهنگی با محوریت اشتراکات فرهنگی، افزایش دامنه حضور و نفوذ در گروه‌بندی‌ها و انجمن‌های علمی، مطالعاتی، فرهنگی و سیاسی کشورهای منطقه باشد.

نتیجه‌گیری

منطقه قفقاز بدلیل واقع شدن در منطقه حساس و استراتژیک اوراسیا امروزه به دلایل ژئوپلیتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک؛ نگاه جهان، قدرت‌ها، بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی را به خود جلب کرده است و اهمیت فوق‌العاده تاریخی خود را بازیافته است به نحوی که امروزه تسلط بر قفقاز به یک محک و معیار «جهانی بودن قدرت» تبدیل شده است. در این پژوهش که با بررسی ابعاد استراتژیک و ژئوپلیتیک منطقه قفقاز و مبانی نظری به تحلیل شرایط و واقعیت‌های منطقه‌ای و مناسبات آشکار کشورها با جمهوری اسلامی ایران و همچنین با اسرائیل پرداخته شد، نهایتاً با مقایسه راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و رژیم

صهیونیستی در منطقه قفقاز و عمق راهبردی مناسبات و برنامه‌های طراحی شده از سوی دو بازیگر یادشده در منطقه، تقابل راهبردی جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی تایید و اثبات شد. در ادامه با بررسی موضوعات، سیاست‌ها و رویکردهای متعدد، این نتیجه حاصل شد که در چنین شرایطی جمهوری اسلامی ایران بواسطه قرابت سرزمینی و ارتباط تاریخی با هریک از کشورهای منطقه قفقاز و اهمیت امنیت خارج نزدیک خود، حضور موثر و با دامنه وسیعی را در منطقه برای خود تعریف نموده است. از دیگر سو رژیم صهیونیستی بواسطه تمایل به تعقیب سیاست‌های خصمانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران و همچنین گسترش دامنه متحدان و همراهان خود در صحنه بین‌المللی با استفاده از فرصت نیازمندی‌های مختلف کشورهای منطقه قفقاز بدنبال توسعه مناسبات و همکاری‌ها و تعاملات خود با هر یک از آنها است.

حضور فعال رژیم صهیونیستی در منطقه استراتژیک قفقاز، در قالب برنامه‌هایی همچون تقویت مناسبات نظامی با کشورهای قفقازی، حضور افسران و نیروهای اطلاعاتی این رژیم در قالب همکاری نظامی - آموزشی کشورهای قفقازی با اهداف بدیهی آن از جمله طراحی مباحث جاسوسی، رصد و مشاهده تحولات و تحرکات داخلی ایران و تاسیس و تکمیل پایگاه‌های نظامی، بهره‌گیری از فضای هوایی این کشورها جهت اقدامات پهبادی علیه ایران همراه است که این امور در تقابل آشکار با اهداف، منافع و طراحی‌های جمهوری اسلامی ایران در سیاست ثبات و اقتدار داخلی و همکاری و تعامل با همسایگان می‌باشد. امری که تداوم آن، شرایط و وضعیت پیچیده‌ای را برای آینده رقم خواهد زد.

یکی از تقابل‌های آشکار راهبردهای جمهوری اسلامی ایران و رژیم صهیونیستی مربوط به حضور پرابهام و طراحی شده اسرائیل در باکو و عمق‌بخشی به روابط دو جانبه با آذربایجان تا سطح روابط استراتژیک است. فارغ از تلاش اسرائیل برای افزایش دامنه حضور خود در بخش‌ها و عرصه‌های مختلف آذربایجان با هدف ممانعت از حضور موثر ایران، اتخاذ راهبردهای مختلف با هدف برنامه‌ریزی برای آینده است که نگرانی‌ها را دوچندان می‌سازد و منافع حیاتی جمهوری اسلامی ایران را نشانه رفته است.

بی‌شک گسترش حضور رژیم صهیونیستی در منطقه پیرامونی ایران به مباحثی همچون

"گسترش اختلافات منطقه‌ای و مرزی، تشدید مسائل امنیتی، گستراندن تورهای جاسوسی برای جوانان و محدود مخالفان نظام، گسترش و ترغیب شعارهای تجزیه‌طلبانه، افزایش نگرش‌های لائیک و یا ترویج مباحث تبشیری و تزلزل در اسلام‌گرایی مردمان کشورهای منطقه و نهایتاً دور شدن این کشورها از گستره همسایگان و همپیمانان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران دامن خواهد زد که با عدم مراقبت حاکمان و دولت‌های مستقر بر کشورهای همسایه می‌تواند ضمن ایجاد فرصت شناخت دقیق‌تر و درست‌تر دوست از دشمن، زمینه‌ساز برخورد فیمابین در فضای تمامیت ارضی کشورهای همسایه و حضور و نفوذ متقابل در آن کشورها شود.

البته فارغ از سیاست‌ها و اقدامات پیش‌بینی شده احتمالی جهت زمان تخصص و درگیری، ضروری است راهبرد نوینی نیز برای تقویت مناسبات و تعاملات منطقه‌ای و توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران و کشورهای قفقازی با محوریت شاخصه‌هایی همچون: تنظیم همکاری فزاینده با کشورهای قفقازی، گسترش دامنه همکاری‌های اقتصادی، بهره‌مندی از اثرات برنامه کمک‌های توسعه‌ای مشابه سال‌های آغازین استقلال آنها، تقویت بنیان‌های فرهنگی با محوریت اشتراکات فرهنگی، افزایش دامنه حضور و نفوذ در گروه‌بندی‌ها و انجمن‌های علمی، مطالعاتی، فرهنگی و سیاسی تبیین، تدوین و دنبال گردد.

منابع

الف- فارسی

- آشوری، داریوش، (۱۳۸۶)، فرهنگ سیاسی، تهران: انتشارات مروارید.
- آقایی، سید داوود، (۱۳۸۶)، اتحادیه اروپایی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: انتشارات سرای عدالت.
- آقا بخشی، علی و دیگران، (۱۳۸۶)، فرهنگ علوم سیاسی، چاپ دوم، تهران، نشر چاپار.
- ابوالحسن شیرازی، حبیب...، (۱۳۷۹)، «نقش و منافع غرب در قفقاز و آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۲.
- اسدی کیا، بهناز، (۱۳۷۴)، جمهوری آذربایجان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- افشردی، محمدحسین، (۱۳۸۲)، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دانشکده فرماندهی و ستاد.
- امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۷۷)، «ایران و قفقاز»، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۳۵-۱۳۶.
- امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۷۳)، «پتانسیل‌های حمل و نقل و انرژی در قفقاز و نقش ژئوپلیتیکی آنها»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸.
- امیر احمدیان، بهرام، (۱۳۷۶)، جغرافیای قفقاز، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- امیراحمدیان، بهرام، (۱۳۸۸)، «نقش روسیه و آمریکا در بحران قفقاز»، ایراس، کد خبر ۱۲۹۸۸.
- برژینسکی، زیگنیو، (۱۳۷۲)، خارج از کنترل، ترجمه عبدالرحیم نوه ابراهیم، تهران: نشر اطلاعات.
- بصیری، محمد علی و ایزدی، مژگان، (۱۳۸۳)، «اهداف سیاست خارجی آمریکا در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۸.
- بوسک، کریستوفر، (۱۳۶۸)، «روابط اسرائیل با آذربایجان و تاثیر آن بر امنیت منطقه در قفقاز جنوبی»، تهران: مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز،

- امنیت در قفقاز جنوبی، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- چشمه اعلائی، مهرداد، (۱۳۸۴)، «جمهوری اسلامی ایران و تحولات حوزه قفقاز»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۲.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۱)، «نقش آفرینی ژئواستراتژیک محور قفقاز - آسیای مرکزی در رقابت‌های جهانی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۰.
- حجازی، سید حسین، (۱۳۸۳)، «دکترین امنیت ملی روسیه ریشه‌ها عناصر و آرمان‌ها»، کتاب کشورهای مستقل مشترک المنافع ۲، موسسه ابرار معاصر تهران.
- حسن‌خانی، محمد و نصوحیان، محمد مهدی، (۱۳۸۷)، «تلقی سیاست خارجی آمریکا از قفقاز پس از تحولات یازده سپتامبر»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۲.
- خیبری، کابک، (۱۳۸۵)، «نگرش انتقادی به مولفه‌های استراتژی امنیت ملی جدید آمریکا»، پژوهشنامه امنیت بین‌الملل و تروریسم، شماره دوم.
- خرازی، کمال، (۱۳۷۷)، «نقش قدرت‌های منطقه‌ای در حل مناقشات و توسعه اقتصادی»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۱.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۷۸)، «سیاست خارجی و امنیتی مشترک»، فصلنامه سیاست خارجی (ویژه اروپا)، جلد اول، ۱۰.
- راداونی، جین، (۱۳۷۸)، «زورآزمایی روسیه و آمریکا در منطقه پر آشوب قفقاز»، ترجمه البرز، ترجمان سیاسی، سال پنجم، شماره ۵۱.
- رضایی، علی اکبر، (۱۳۷۷)، «اسرائیل در آسیای مرکزی»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۳.
- روشندل، جلیل، (۱۳۷۷)، «پیمان امنیتی - نظامی ترکیه و اسرائیل»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۴ - ۱۵.
- روشندل، جلیل، (۱۳۷۷)، جمهوری ارمنستان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- روشندل، جلیل و قلی‌پور، رافیک، (۱۳۷۳)، سیاست و حکومت در ارمنستان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- زرگر، افشین، (۱۳۸۶)، «رقابت قدرت‌های بزرگ در قفقاز و آثار آن بر امنیت

منطقه‌ای»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۸.

- سلماسی زاده، محمد، (۱۳۷۸)، «نگاهی به جغرافیای تاریخی گرجستان از قرن نخست تا پایان قرن دهم هجری»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۸.
- سلسیلی، منصور، (۱۳۸۲)، «تقابل دیدگاه‌ها نسبت به صلح در آبخازیا»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۲.
- سیف زاده، سید حسین و خداوردی، حسن، (۱۳۸۷)، «چشم‌انداز تثبیت هژمونی آمریکا در قرن بیست و یکم»، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، سال اول، شماره ۲.
- شیر غلامی، خلیل، (۱۳۸۰)، «زمینه‌های همکاری روسیه و اتحادیه اروپا»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۴.
- شیر غلامی، خلیل، (۱۳۸۰)، «ایالات متحده و روسیه: مشارکت یا تقابل استراتژیک»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۳.
- عزتی، عزت‌ا...، (۱۳۷۹)، «تحلیل ژئوپلیتیکی روابط ایران و عراق»، سال چهاردهم، ماهنامه دیدگاه‌ها و تحلیل‌ها، انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- عزتی، عزت‌ا...، (۱۳۷۳)، ژئواستراتژی، تهران: انتشارات سمت.
- عسگری، حسن، (۱۳۸۵)، «خط و مشی‌های سیاست خارجی و امنیتی گرجستان»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۴.
- عسگری، حسن، (۱۳۸۴)، «گسترش اتحادیه اروپا به قفقاز جنوبی: رویا یا واقعیت»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۵۰.
- عسگری، حسن، (۱۳۸۳)، «رقابت‌ها و همکاری‌های نظامی روسیه و آمریکا در گرجستان»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۸.
- عسگری، حسن، (۱۳۸۳)، «احیای تمامیت ارضی گرجستان: واقعیت یا رویا سناریوهای محتمل»، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۸.
- علیزاده، علی، (۱۳۸۰)، «نگاه امنیتی به مباحث حوزه دریای خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵.
- کاظمی، احمد، (۱۳۸۴)، امنیت در قفقاز جنوبی، موسسه مطالعات و تحقیقات

بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

- کاظمی، علی اصغر، (۱۳۸۴)، *روابط بین‌الملل در تئوری و عمل*، چاپ چهارم، تهران: نشر قومس.
- کوپیتز، برونو، (۱۳۷۹)، «سیاست امنیتی غرب و درگیری میان گرجستان و آبخازستان»، ترجمه لادن مختاری، *فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۳۰.
- آلیکرا، اولگا، (۱۳۸۲)، *گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی*، ترجمه محمود رضا گلشن پژوه و دیگران، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- فلاحی، علی، (۱۳۸۲)، «بازشناسی استراتژی غرب در قفقاز جنوبی»، *نشریه راهبرد*، شماره ۲۸.
- مرادی، منوچهر، (۱۳۸۵)، *چشم‌انداز همکاری ایران و اتحادیه اروپا در تامین ثبات و امنیت در قفقاز جنوبی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مرتضویان، حسن، (۱۳۵۴)، «نظریه‌های بازی‌ها و کاربرد آن در تحلیل روابط بین‌الملل»، *مجله روابط بین‌الملل*، نشر مرکز مطالعات عالی بین‌المللی.
- معیری، علیرضا، (۱۳۸۳)، «جمهوری اسلامی ایران و تحولات قفقاز جنوبی در قرن ۲۱»، *فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز*، شماره ۴۸.
- معین‌الدینی، جواد و انتظار المهدی، مصطفی، (۱۳۷۸)، «سخت‌افزارگرایی در سیاست خارجی آمریکا»، *سال اول، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی و روابط بین‌الملل*، شماره ۲.
- ملکی، محمد رضا، (۱۳۷۷)، «ترفندهای اسرائیل برای نفوذ در آسیای مرکزی و قفقاز»، *روزنامه جامعه*، ۱۳۷۷/۱۲/۲۳، سال یکم، شماره ۶۴.
- میرحیدر، دره، (۱۳۷۸)، *ایران و روسیه در فرایند جغرافیای سیاسی منطقه*، مجموعه مقالات پنجمین میزگرد مشترک ایران و روسیه، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- مطهرنیا، مهدی، (۱۳۸۳)، *ناتو گسترش به شرق و رئالیسم روسی*، کتاب کشورهای مستقل مشترک‌المنافع ۲، تهران: موسسه ابرار معاصر.

- معظمی گودرزی، پروین، (۱۳۷۸)، گرجستان، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- هاشمی، غلامرضا، (۱۳۸۴)، امنیت در قفقاز جنوبی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- واحدی، الیاس، (۱۳۸۲)، برآورد استراتژیک آذربایجان، تهران: ابرار معاصر تهران.
- واعظی، محمود، (۱۳۸۶)، ژئوپلیتیک بحران در آسیای مرکزی و قفقاز (بنیان‌ها و بازیگران)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نانی، جولیا، (۱۳۷۴)، «دیدگاه‌های امنیتی آمریکا و مسئله انتقال انرژی از حوزه خزر»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۱.
- هپلی، لسلی، (۱۳۷۰)، «تجدید حیات ژئوپلیتیک»، ترجمه دره میرحیدر، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۴۷-۴۸.

ب- انگلیسی

- Arif, Yunusov, (2003), "Azerbaijan Security Problems and Policies, in the South Caucasus: A Challenge for the EU", *Chaillot Papers*, No. 65.
- Brenda, Shafer, (2000), The Formation of Azerbaijani Collective Identity in Iran, *Nationalities Papers*, Vol. 8, No. 3.
- Brzezinski, Zbigniew, (1997), *The Grand Chessboard: American Primacy and its Geostrategic Implications*, New York: Basic Books.
- Bulent, Aras, (1998), "Post – cold War Relations: Israel Strategy in Azarbaijan and Central Asia", *Middle East Policy*, Vol. v, No. 4.
- Brenda, Shaffer, (2003), "US Policy, in: The South Caucasusa Challenge for the EU", *Chaillot Papers*, No. 65.
- Cia.gov/library/publications/the-world-factbook/geos/aj.html#Econ.
- Eur.ru/en/images/ptext_pict/237/sum51.doc.
- Ettelaat.com/ethomeedition/Siasi/257/257.htm.
- Int.armradio.am/far/.

- Mfa.gov.az/eng/index.php?option=com_content&task=view&id=192&Itemid=53.
- Mfa.gov.ge/index.phpsec_id=306&lang_id=ENG.
- Mfa.gov.ge/index.phpsec_id=268&lang_id=ENG.
- Mfa.gov.az/eng/index.php?option=com_content&task=view&id=192&Itemid=53.
- Mfa.gov.ge/index.phpsec_id=309&lang_id=ENG.
- Rosecrance, Richard, (1966), *Bipolarity Multipolarity and the Future*, *Journal of Conflict Resolution*, N. 10.
- Solana, Javier, (2009), *A Secure Europe in a Better World: European Security Strategy*.
- Svante, Ecornel ' The Caucasuse : A Regional Overview and Conflict Assessment' Cornell Caspian Consulting, August 2002, in: <http://www.silkroadstudies.org/docs/publications/2004/SIDA.pdf>.
- The.karabakhdeal.blogspot.com/2008/10/osce-minsk-group-karabakh-conflict.html